

جای اداره کنما

دبره - غلامین کنانی

مکاتبات و مکاتیب

باید عنوان ذیل باشد

فومن - جنگل

بر چهارشنبه و پنجشنبه

بیت نمره وقت شب

کتابخانه

۱۳۳۵

تعمیر اجرت لوله و فلان
خصوصی با دفتر اداره است
مکاتیب بدون امضا
و عنوان پذیرفته نشود

دو اشک بگذر ز غم ده بافت

قیمت اشک

بیمار . هفتاد

بتاریخ یکشنبه بیت و سوم صفر ۱۳۳۶

این روزنامه فقط نگامان مجتبی ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

کابینه جدید ، سروده جدید بیت عالم تحریک

عقید نظریات و مقالات مانده در شماره ۱۷
جنگل اجمالاً بعضی قارئین رسانیدیم کابینه آقای
(علاء السلطنه) پس از یک سلسله بحران مثبت
آور ، یک رشته لرزل حیرت خیز و یک تصمیم
تعبیر آمیز و سایر خصوصیات بی نظیر که موجب
انحلال آن می شد منحل بالاخره ویلیو ماسی دربار
لندن با جرمی خیالات خود موفقیت پیدا نمود
کابینه آقای مین الدوله با اعضا قبایل
العقیده و اشخاص مخالف السیقه تشکیل گردید
رشادت کدام دست قدرت ، مهارت کدام
استاد با هر صبح مین الاضداد نموده و محاسن
متضاد السلک را در یک مجمع با اسم کابینه وزرا
ترکیب نمود لابد معلوم است
بانی آنکه تصریح باسم کرده بعضی افراد کابینه را
برح و بعضی دیگر افتخار نموده و مورد این
تصور کردیم که مادی و قادی این و آنیم بابت

باید از

و بعضی دیگران دبی آنکه خود و دیگران را جاهلان
فرب داده و با اثبات بلاهت و بخری
برای خود نمایم مفرضانه اظهار عقیده نمودند
این موضوع ند اگر می کنیم
آیا یک بچه کابینه مختلطه از اشخاص مختلفه
که در همه چیز با هم مخالفت نظری و مباحث
محمده دارند امروز می توانند در دهامی بار
دو اگر در بد نخبهای متراکه وسیله های خانه
همان کنی که از هر سو متوجه باین سرزمین بلا
دید ، باین کشور محنت کشیده گشته معالجه
و جلو گیری نمایند
با اینکه باز هم همان عامل مؤثر خارجی با اثر
دستی مخصوص خود بوسیله همان وصله
های نازیبا و ضمیمه های غیر مناسبی که بهر طرف
بود در کابینه حاضره موجود نمود و اجرا عامله
این چرخ تازه بکار افتاده را هم از کار باز
داشتند بی آنکه ذره فایده و منفعتی بملت
نظر اصلاح تیره بخت پریشان روزگار

ایران باید گردد خود آنچه را میخواهد برده و منفعتی را که در نظر دارد تحصیل نموده ایران و ایرانی را با فلاخن نیرنگ سروراند بدو غلبه مستی و فاساد پرتاب نماید.

بحث در این موضوع و تحقیق در جزئیات این مسئله یک نوع تجر سیاسی و یک قسم اطلاع عمیقی لازم دارد که ما را در گوشه جنگل حصول آن بجز کتبخ غیر معتمد و راست دلی بقدر که مقتضی معلومات ساده و اطلاعات سطحی جنگلی است و با اندازه که محیط ادراک ما را شایسته است در این ورق پاره مذاکره نمود عقیده خود را اظهار میکنیم چه حسی در مثبت این قلم مشاهده شد؟ چه نفعی در این تألیف پر ضرر جلوه گر گردید؟ چه عسر حرجی در مقابل این فرضیه عرض اندام کرد؟

چه پیش آمد؟ هفت نفر که علناً با دلائل مثبت بخدمت گذاری اجاب معزنی گشته و در چند نوبت کفالت با مورات دولتی جزار فساد،

خرانی، بر باد می ملکوت، تفرقه جماعت، تسلط اخبار، باین دیار چربی با و کار نگذاشته امروز باید با عناصر صالح ملت در حال فعال وطن برست ضمیر نموده و فدا دیت این علا عملیات صحیح آن عده صحیح العمل را فایده نماید.

صحیح و فاسد تو اما کار نخواهند کرد نیک و بد با هم نخواهند ساخت حق و باطل یک جامع میشوند.

یک فایده یک ساعت که در ای اقامت لالت و ادوات مختلفه است و قسده یکی دو جز از اجزاء آن ناقص شد بشقیه اجزاء و آلات را از کار انداخته با تیره دچار توفیق و تعطیل نماید با اینکه اگر هم کار کند پرونده و بی حاصل خواهد بود.

حق ضد باطل است باطل ضد حق تطبیق حق و باطل بر ادب صحیح و فاسد جمع نیک و بد بکدام خلفه بکدام منطق از روی کدام حکمت و بر طبق کدام ترتیب عقلی و علمی ممکن است

نهیست

جسم الله الرحمن الرحیم؟ چندی که رشته طوایف ایران چون متصل برشته مله گشت متبذره بوده بمروایام و شهر و عوالم و علوم و اسباب آداب بکلی ضل و مندرس مانده فهم ندک باو هم ضلک مشبه و طیش شده علم را در جوانی گذشت و خلق را فصل بریح منقض گشت و از رسم اسی مانده و از حکمت و کلام حرفی بر زبان مانده و بر رئیس بر خلاف طریق سیر نمود و از بهر وزیر می باید کار از بهر مقتضی ذخیره و جسم و دنیا را و از بهر عالی ملک و عقده باهت مانده و از حاصل رنج ضفاء و زیر و ستان هم یک علی حب نفوذیم و سلسله هم تحصیل گنج نموده و بتوئی خوابی و لایات و شبهه تی تضح نفوس و شک و ما از بهر عل و نخل ساکن در ایران شده و به کلی بی کفایت معاش گردیده در فتنه ایران با صاحبان نفوس آماره منحصر و منافع و عایدات آن بزودی الشهوات منقض گشته و ابواب

با یکی از سه خبر باید در این مورد خود امتناع
سازیم یا باید بگوئیم اعضا فاسده این کابینه
تغییر میکنند داده و برخلاف طرفه وقت خود
که سالها بان خود کرده اند ابراز صفت عمل نمایند
باید متعهد شویم که انتقاد صحیح این کابینه برای
معارضت با اشخاص فاسد صحت عمل دینی
نیت خود را بدور نگویند.

با باید بگوئیم که عضویت چند نفر از اعضا سابق
مرفی و ظاهر سازی است اخرا الامر بقار
خارجی و محدود را یک مکرر امتحان کرده و دیده
ایم تولید نمایند مستدرج در راه این وطن
پرست از کار کناره گرفته بجای آنها اشخاص
فالاقین خائن بصورت کافیه معین خواهند شد
و نظریه اولیه را بلا تأمل رد میکنیم زیرا باید
از این دو عنصر (صحیح و فاسد) برخلاف
ملک خود رفتار نخواهند نمود تفسیر رونه و
طرفه آنها همان تغییر باهیت است و تغییر باهیت
هم غیر ممکن است بناچار شق اخیر تسلیم کرد
با توشش و هین واضطراب خاطر باید مظهر باشیم

که بجز انهایی بی در پی شروع گشته این ملک
محتاج ما تا چندی هم برای حدود همان بجز
و تر لرزل بلا تکلیف و متر لرزل و محروم از
اصلاحات لازمه گردیده.

بعد از اینکه ویلوی مای اجنبی بوسیله بجز
نهای متوالیه موفق بخرج و زراسی وطن پرست
از کابینه شد بجای آنها با اسم ترسیم و ضمیمه دیا
عناوین دیگر که نیز که باز هم تچه روزی از دیر
باز تهیه نموده و حاضر دارند بکابینه و عمل کرد
آنچه را که سالهای دراز برای حصول آن این همه
فضایح و مخایع را مرکب گشتند و با بزوی
اجرای آن روز سیکد را نند مومن خواهند
شد.

زات مقدس شاهانه که پیش از همه علاقه
مندیان آب و خاک است بطلاوه تعلقات
خود کفالت، غمخواری، حراست این همه
و رابع الهه را در نگاه خداوندی بضمون
کلکم زراع و کلکم مسئول عن رعیت عهده دار
و قانون اساسی بهم حفظ حقوق ملت ابد است

نیل سعادت بر عارض سلین مسدود و از اسم غازیان و جنگ جویان دفاتر نظامیه مسوده و نتیجه زوال احکام
اسلام گردید تا دوره محمد علی میرزا چنان مستغرق بجار ظلم و ستم شدند که انهم متوطنون فی دار الرخس و مسوطنون فی
السنن النجس گردیدند که احاطت عظیم الحقیص فوق فهم نفس النفس و لوجانی رسید که از عدل نوز و از این
شأن باقی دیاد کار نمانده و جلگی ناکسات الروس من ایسی الکفره و الفجره گردیده نور نار و غیم بوار و بی
الاصفر از شمال و شربک او از جنوب دست تفرش بجزوه اسلام گشوده طاعت فرمان ایزدی آیت پلان
احمدی فموج گشته فاحاطت عظیم دائره التواء و غضب الهه عظیم و لفهم تا آنکه جمعی از خود گذشتگان و از کار گزیده
مردان بغیرت دین داری و همت وطن خواهی تحمل صدات مالی و جانی بلکه ناموسی و متاعب و مشقات
شدند و تبدیل سلطنت مستبده به دولت مشروطه نمودند و نام نامی خود را در صفحہ روزگار یادگار نهاده و
بعقیده صافیه خود آسایش فراهم خواهد آمد و شمه بازار دین و صیقل زنگار کین تینه بشود و مصادرا امور مظهر علی

جبهه

اندیشان تقسیم داشته .

در این تقسیم ملوکانه و تعیین این کابینه غیر متجانس با اطلاعاتیکه پیش از همه با جوال روخته بر یک از رجال درباری دارند و آنچه امتحانات کثیره که در این مدت قبیل جلوس براریکه سلطنت فرموده اند چه مقصود و براتقیب میفرمایند؟! اما صدمه و خسارتیکه از این عناصر پطال و از این فرزندان ناخلف وطن و از این چاکران خیانت پیشه دولت ظاهر شده و پیشودیش از همه شخص اقدس ملوکانه متوجه نیست؟! آیا اثرات سوئی که از زوال یک دولت و بر بادوی یک مملکت ناشی میشود بمقام سلطنت میشد اینسایر افراد عبت توجه نخواهد نمود؟! در چنین خالی یک چنین کسی بریا طری را بلا شبهه تجیر مصادف میکند .

مسئله وزارت تشکیل کابینه و دور زدن این شغل مهم خطیر در بین یک عده که در نزد عوام ملت ایران و ملل خارجه غیر از دوستی بهیچ چیز معترفی گشته اند یک معمای لاجملی گردیده که ای

با اسخاص عالم از حل آن عاجز و تفکر در آن قلب هر متفکر را میوزاند

عجب ترقیبی است ، طرفه محشری است از ذات مقدس شاهشاهی آبا و اجداد منی رعیت پرا سبوقه که چند نفر معین فاسد ، خائن ، عامل و کارکن اجانب بوده و مسند و برای خود سبیکانگان همجواران اقدام دارند با اینحال همین عده گانسی وزیر گاهی وکیل ، وقتی حاکم ، جنگا مشار ، زمانی مشیر ، بهر طرف که توجه میشود باز همین گروه در مقابل جلوه گرفته و کفیل امورات ملت میگردند .

همگی تصدیق میخانیت آنها داریم ، همگی مطلقیم که مملکت بدست آنها رو با بندهام و زوال میرود با این وصف نه از طرف دولت مجاراتی نه از ملت مکافات !!!

عجبا این ایران ، این کمن شیران این مولد و اربوش ، این معطر الراس سیروک این مطلع مردمان فوق العاده ، این مشرف تربیت ، این عهد تمدن قوت ، امروز وادی

و داو نخواهد بود تا عرصه آفاق از گردنفاق پیراسته و شاخ بلابریده و بیخ شرم برکنده و پای فتنه شکنه دست رفته بپسته آید و فروغ ایمان فرزند و جهان از عجب علت پرداخته شود و بگردش روزگار اعتدالی رویدد و در هر چه از امن و امان باشد و هر چه آرد اسلام و ایمان افوس هزاران افوس و دوازده سال از عمر مشروطه گذشته است و بیخ از کلیات بر روی اساسی گذاشته نشد کور کوران و فریاد اصلاح زدیم و بتنادب و تبادل کابینه در هر سینه بکده در هر شش ماه و در هر ماه کثیر از ماه اصلاح امور را دست عده حواله دادیم و زمام امور را در کف طایفه نهادیم و هر چه مملکت با سیاست غلط کارانه و تدهانات امحانه گذرانده و انهامم جالب منافع شخصی و طالب مقام موروثی و از نگر تحمیل سال و عجب آوری مال و تیسیر لقب بر سر داری و سپه سالاری و یا از خود متری بی باقت کردن و مضاف به خود سلطنت و باولت نمودن و باز ماده ف و خ و را و یا از خواه و یا و را و یا از ع و ض و ذل اتحاد بخت مصدری مثل انحصار و فخر و با اختیار لقب بخت معقول و خود را در عجب مسؤل دانستن خارج نشدند و مفت خود را با مفاخر شدن و با مفاخر

فاموسان، معدن بی حقیقت، رفع مخالفت،
 صبد، جهالت، جنایاتی دولت و سارت گشته
 طغیونها صیبت رخص تجاوات معدود و طی
 اما جزیم بره خارت می بینند، همه بعد
 گرفتارند، همه مظلومند، همه مشاوه میکنند
 که این خائنین ریاست، قومیت، عرض و
 ناموسشان را تسلیم اجانب نمایند با انحال
 تن بر زیر بار نذلت داده و تحمل همه قسم مشقت
 و خارت را بپذیرند و در تمام این نوزدهم
 یک نفر پیدا نمیشود که بنام ریاست و انانیت
 این خائنین را برای خود سازد.

ای کسانی که سالها در این مملکت ریاست
 و عزت و کاروانی نمودند و نگارنده و وطن پیش از
 همه شما نومی حق است و گیرس است
 از سر این مردم به نجات بردارید این چه سگی است
 که برای بر باد می و گن پیدا نموده پاید ؟؟
 اگر مقصودتان ریاست بود که سالها در

دو اریده

اگر تحصیل ثروت بود هر یک بجا اکل مال کنید

بعد از این بنام دیانت، ابراهیمت از فروش
 باقیاننده این مملکت صرف نظر کنید، و این
 مردم به نجات راجدی بحال خود واگذارید
 شاید توانستند قدری چاره چارگی همی
 خود نموده، شاید موفق شدند که دست
 دشمن خارجی را کوتاه کرده، خواجگانی را که
 سواد زمان ریاست خود تهیه نموده اصلاح
 نمایند.

اگر در این مدت بولن خدمت کرده،
 اظهار لیاقت و کفایت نموده همین مقدار
 کافی است قدری ببالک خارج تشریف
 ملل سایر بلاد و بجهت که از وجودات منفعت
 شما منفع شوند و آنها را از دستکاری و سخت
 عمل شما مستفیض نمایند و با اصلاح جزایرهای آنها
 اقدام کنید، ایرانههارا تا این اندازه خدمات
 شما کفایت میکند.

اگر هم فائز و وطن فروش و بی لیاقت
 هستید تا این مقدار را کفنی دانسته چندی نگه
 کنید !

حرکات اعمی و باگوشش شواسکات گرواصم دشمنان و اسم مقصد گشته کار را از میان بردن و مجازات را با سوا سها
 محو کردن و هر چند روزی همسره نمائی نمودن و بواسطه سرعت سیر غم هر دوره و گذشتن هر کوه که بزودی خود را نطق
 و حرفا مسئول دانستن که در چند روزی رسماً آینه خود را زمین نماند و از اعطای امتیازات بجا و با از دادن حکومت
 و ریاست غلط کارانه جمع آوری مال کردن که بیسج دوره تاریخی از خود بیاد کار گذارند و خود را عجب با یکان
 جنوبی و شمالی دانستند و بجا همه بافت گذارند و مجور ادارات را از چرخ و رفتار و حرکت انداختند و در این
 چند ساله که فکات بین المللی احداث در دومی نمود با آنکه خود آنها گرفت هر گونه انواع از من و بلاد و میان آنها
 از کوهها از پابن و بالاخرتی و گرفتار شده و همه جمع و تک آنی از شناساری موجب نجات و استخلاص ملت خود
 دست بر نهشته اند و غفلت ندارند و عقیده سرفرد از افراد ایرانی و غیر ایرانی این بود که بوسیله زمام داران خود
 بر آنها استفاد خواهند کرد و بفرصت فوری از عدم تعرض اجانب نتیجه با خواهند نمود و انصافا چه کرده و چه نگرفته

افسوس! همه یقین داریم که ایدیه هیچ
 قسم شاهزاده محو این مملکت و برپایی ملت خود
 واری نخواهد کرد و هیچ نامه و خبری شمارا
 متباین نمی نماید. بی حتی ملت، رحمت خداوند
 شمارا جاری و جود نموده ولی بدانید
 جهان را صابمی باشد خدا نام
 قادر متعال که پیش از همه موت هر یک را
 بصیر و مطلع است این همه مخلوق و در این خود را
 الی الابد بدست شما اسپر خواهد که امانت در ما
 میشود که یک ملت بزرگی را محو نماید و ستاره
 اخرا را بر باد است همین ملت مظلوم از شما احق
 گرفته و برای شما که در تاریخ ایران خبر لعنت و
 بدنامی چیز دیگری باید کاخ خواهد ماند
 احتیاج خارج
 ترجمه از جریده اچین موز
 فرمانفرمای قشون آلمان بجمع کتبی ای اردونی گفته
 ای جنگل انقلابی بجمع سربازان فرودت جواب داده
 است که برای مذاکرات صلح راضی است.
 رئیس جمهوری روسیه تکلیف کرده که مذاکرات

راجع بصلح پنج روز باخیر میمانند (یعنی تا ۱۹ نوامبر)
 تا در این مدت تکلیف صلح را مجدداً بدولت متفقین اطلاع
 داده و خیالات آنها را در این باب معین کند. در روز
 رسید حرکات جنگی بر فضای طرفین کجاست شد
 در هر دو طرف قشون نباید حرکتی کرده و همیشه باید
 ساکت بمانند. راجع بصلح قطعی اقدام شده و مسئله
 صلح بطریق تاکید از طرف فعله ما و ما قین انقلابی
 فاتح روسیه بمیان آمده است
 امروز تمام اصناف فرق و دودلهای صحاب
 دعوت میوند که بطور قطعی جواب دهند آیا حاضرند در
 ۱۹ نوامبر با ما یکجا برای صلح قدم بردارند یا نه!
 غلامی در بخیران قاریک ما در این از مملکت
 جنگ رستان منوط جواب این سوال در صورتیکه
 عکس آن برود کند باز خون اردو خواهد ریخت ما
 اعضای مشاوره (وزراء) رو در با طرف دول فرانسه
 انگلیس، ایالتا، آمریکا، صرب، رابون، کرده و
 مقابل تمام دنیا سوال میکنیم که آیا در اول ماه دسامبر
 فونکی (یعنی در ۱۹ نوامبر) برای مذاکرات صلح حاضرند یا نه!
 وزیراروسای شورای ملی ملل مالک متفق و

آیا فضای ایران فضای خیانت نند؟ آیا محیط ایران محیط تقصیر نگردید؟ آیا باران مرگ در اطراف ایران نبارید؟
 آیا سبلهای خون جاری نگردید؟ آیا از هر گوشه صدائی و از هر ناحیه ندائی برخواست؟ آیا اسباب اتصال
 و محو میانگشته؟ آیا صبح و استغناء از فقر و فاقه بلند نشده؟ آیا از جرع جوعه زبان و ذرع میان عیش باقی مانده
 که تزلزل نند باشد؟ و آیا محوطه باقی مانده که از شک چیم بی خانمان ما و آواره شده گان آبیاری نند باشد؟
 آیا ناموس بر باد رفته و با عرض باقی مانده؟ با همه سیاهی روزگار و درد های شمار که راهی برای نجات نند
 نزد و طریق سلامتی در پیش نداشتیم با همه هر چه تصور شود و هر چه کنشی است بلسان جراند گفته آید جمعی از رو
 حق و غیرت دینی اسلامی و ملی و وطنی در صدد چاره روزگار سیاه برآمده و در مقام تحصیل دومی در دومی سید
 قدم روانگی افراشته و ذکر مصائب را بی نتیجه دانسته بخت و نیز و فکر غیر خود بجلاوه از تجربه و مراجع تاریخ از زبان
 کرم الی زمانها و مشاهد نام در جات ترقی و تعالی بر پیشی مویجات بقا، هر قومی را منحصراً با اتفاق معنوی و اتحاد حقیقی در آ
 بلیعه دارد

مخصوصاً انالی رحمت کس آنها را خطاب کرده سوال
 میکنیم که آیا راضی هستند این زود خوردی معنای
 بی مقصد و کور کورانه را مدت داده و در وقت
 اردو پارا پوچ کنند ما از فوق فعله مالک متفق
 در خواست میکنیم بعد جواب دهند که آیا میخواهند
 در ۱۹ نوامبر بلا تاخیر برای مذاکرات صلح اقدام
 کنند یا خیر. مسئله صورت قطعی شد کرده.
 اسی سرزبان اسی فعله با وای زار عین بنجر آیا
 میخواهید اتفاق با اقدام قطعی در صلح کنید؟
 این دکلاسی شورای ملت فعله های آلمان اتریش
 ترک و بلغار را خطاب ساخته میگویند آن صلحی را که
 تکلیف میکنیم باید تکامل اقتصادی و مدنی هر طایفه را
 مابین پذیر باشد.

فعله وزارت عین انقلابی روسیه مرانامه صلح خود
 را تقدیم کرده و معا هدتی را بهم که یک پادشاه روس
 در سرایه داران با متفقین خود تعیینانه به آن اعلان و
 عدم اجبار ملت را در این معا هدت بیان نمودیم با
 یک اساس استلاف آمیز و یک عملی تمام طوائف
 تکلیف میکنیم که معا هدته جدید بنویسند.

در جواب این تکلیف ما دکلاسی رسمی مالک متفق
 حکومت شوروی را قبول نکرده و خواستند اتفاقات
 ما داخل مذاکرات صلح شوند.

حکومت فاتح انقلابی احتیاج مبعول شدن
 و بیلوماتهای سرایه دار را در ده دلی ما از ملل آن مالک
 سوال میکنیم آیا با اظهار بیانات و بیلوماتهای ارتجاعی
 عیناً حاوی افکار و مقاصد انالی انجام است یا خیر
 آیا انالی رضایت میدهند که این وسیله صلحی را که
 انقلاب روسیه بچنگ آورده و بیلوماتها از دست میدهد

یا خیر؟

جواب این سوالات را از با حرف بلکه عملاً باید
 بفوریت بدهند.

قوتن روس و انالی روس نمیتوانند پیش از این
 شرط بمانند در ۱۹ نوامبر ما داخل در مذاکرات صلح
 می شویم.

هرگاه طوائف متفق دکلاسی خودشان را متفق
 در آنوقت ما خودمان بمنهائی با آنها شروع بذاکرات
 خواهیم نمود.

ما در حد و تکمیل صلح عمومی هستیم هرگاه سرایه
 داران مالک متفق ما را مجبور بصلح انفرادی کنند
 جوابنده آن بکلی خود آنها خواهند بود.

اخبار شهری

آقای معتمد اللطیف کارگزار که کفیل اداره حکومتی نیز
 میباشد در کمال مراقبت و اهتمام موظف حفظ
 نظم شهر و رفاه انالی است حقیقتاً لیاقت و رشادت
 این نامور و کفیه شناس دولت سرا دار تجرد و
 تقدیر است.

ولی از اینکه اولیای امور میل دارند بکنفر نامور کافی
 میدیج ناحیه باشد چنانکه امتحان کرده اند و در وقت
 بجای قدر دانی و تشویق شخص اجرائی میل فرمائید
 دیگران ایشان را بر سر در دیف سایر اصحاب
 این صحیح العمل حاصل نگذارند.

مجازات

امیرخان توله دار عدلیه که برای بروز خیانت متقصده
 بود بعد از استطاق و ثبوت تقصیر محکوم بکوردن پنجاه
 تازیانه و بگناه حبس شد و این مجازات هم در حیلوه در تهر
 البته مجازات را که با بر سر خود در آورده است بگناه خیانت
 و خیانت محسوب میشود.

اخطار

برای احترام اوقات غراواشغال تغزیه داری در این هفته روزنامه ماطع و نشر نمود

ادبیات کیلکی

ای برار بشو بطهران تو بدین آمده وزیران مآبانی حال ایران

که تمام شلوق بلوغه همه وقت تق و توفه

انگلیس شوم و غدار ظالم و دروزک و مکار باورده آخر سر کار

مردم خائن و دروغه همه وقت تق و توفه

انگلیس که داره سینه چرخش و قبض و کینه خوب هم بزه کابینه

ده کابینه بی فساد همه وقت تق و توفه

در جنوب پیر از پسته فرمانفرما هم ریت لایق داس و ویریت

آج خنده فایم دروغه همه وقت تق و توفه

اندره بشو برار جان تو سمیت حزب ایران تا بویج هم که لایق

او طرف هم در بلوغه

همه وقت تق و توفه

براران گویا باری حسن که اسپم چیزی و مفاس انگلیسان مدلس

فایگفتید آمده آذوغه همه وقت تق و توفه

چرا ندیدیم آیا میدانید؟

وزیر بحریه نداریم کتبی نداریم تحت البحری نداریم وزیر بی بی نداریم برای آنکه محموده کنداشد وزیر داخله نداریم داریم آقا.....! وزیر خارجه نداریم چرا نداریم؟

وزیر عدلیه نداریم اصلاً عدالت نداریم وزیر پست و تلگراف داریم پس آقای امین الملک حکایت

وزیر مالیه نداریم بجد نداریم وزیر تجارت و فوائد عامه نداریم راستی نداریم

وزیر جنگ نداریم وزیر صلح هم نداریم وزیر محارف نداریم اختیار دارید معرفت نداریم

والا حضرت اشرف آقای وثوق الدوله بهین زودی بکوری چشم خود امتیاز کل مدارس ایران را بر پرستیابانیا انگلیس خواهند داد و بفرودت ایران رنگ پاریس و لندن خواهد گشت خیر از این با هم را داریم

امید داری

رؤسیتیل بر دولت وطنی که برای منافع انگلیس جان فانی کند او را بر سمیت نخواهد شناخت و فایده دوستی را بنیاسد) ایرانیان باید از دولت فخریه انگلیس امید داری پیدا کنند بواسطه تشکیل مجلس جنوب و غرب لابد اینهم می خواهند بود.